

- ایران همیشه جاویدان به نام خداوند جان و خرد خانم‌ها آقایان عرض ادب دارم. خدمتون عرض بکنم که دلم می‌خواست این برنامه رو اونجوری که از قبل پیش‌بینی کرده بودم انجام بدیم که راجع به مسائل داخلی ایران صحبت بکنیم. ولی ماها ژورنالیستا یک خورده گرفتاری داریم. وقتی یک خبری داغه نمی‌تونیم ازش بگذریم و این دو سه روز گذشته رو همین طور در تمام برنامه‌ها به مسئله‌ای پرداختیم که واقعا هم موافقین بسیاری دارد هم مخالفینی و چرا این مسئله هسته‌ای اینطور این تفاهم هسته‌ای که فعلا بین ایران و آمریکا انجام گرفته هم برونمرز هم درون مرز، هم اینترنت‌نشان هم ایرانی‌تیش جنبه‌های سبک سنگین فراوان دارد. به همین دلیل فکر کردیم که در برنامه نوزایی ایرانی جا داره که به این مقوله بپردازیم و اون رو از دیدگاه‌های فرهنگی، اجتماعی، درون مرزی و سیاسی بررسی بکنیم. چه کسی بهتر از دوستان نازنین من در این برنامه که بتوانند راجع به این مقوله صحبت بکنند. شاهین نژاد و همین طور کیخسرو آرش گرگین. جوانان نازنین سلام.

- درود بر شما جناب اخوان ارجمند و همچنین دوست ارجمند جناب گرگین و هم‌میهنان گرامی که با ما هستند.

- خب مقدمه منو شنیدید من امیدوارم که یک مرتبه شما رو در مقابل یه عمل انجام شده نگذاشته باشم که آمادگی نداشته باشید ولی انقدر شما دو تا رو من می‌دونم سرتون تو کار سیاست و اجتماع هست که هرگاه هر مسئله‌ای رو با همدیگه تلفنی صحبت کردیم یا از طریق وسایل ارتباطات جمعی شما من رو ارشاد کردید واقعا از نظر جامعه ایرانی این واکنش‌هایی که به وجود اومده موافق و مخالف بر سر یک تفاهمی که هنوز بارور هم نشده شما این رو چجوری سبک سنگین می‌کنید؟ اصلا خود این تفاهم رو چجوری می‌بینید و بررسی می‌کنید؟ من فکر می‌کنم که آرش بهتره که قبل از شاهین صحبت کند یا شاهین خودتون انتخاب کنید من گناهکار نشم.

- من از جناب گرگین خواهش می‌کنم که گشایش کنند بحث رو منم در خدمتشون هستم.

- جناب گرگین در خدمتیم

- خواهش میکنم نخست درود میگم خدمت شما بینندگان عزیز و دوست گرامی آقای نژاد. مسئله‌ای که امروز پیش اومده و به نام تفاهم یا توافق ازش سخن میگن دارای ابعاد گوناگونی هستش که به بود و نبود ما بیشک وابستگی دارد. این امر رو می‌شود از صور گوناگون نگریست. یکیش امر سوریست یعنی هنر دیپلماسی و چگونگی گفتگو کردن و چگونگی به نتیجه رسیدن. ببینید بنده خودم شخصا ندیدم توی سی چهل سال گذشته در تاریخ سیاست دنیا که یک همچین تراکم سیاسی و دیپلماتیکی ذیل یک موضوع مشخص رخ داده بود حتی زمانی که دیوار برلین فروخت من در آلمان زندگی می‌کردم ما این میزان از تراکم دیپلماتیک رو نداشتیم. بنابراین این هشت روزی که ده سال گذشته اش رو بگذاریم کنار و یک سال دو سال گذشته اش رو هم بگذاریم کنار این هشت روزی که در لوزان اتفاق افتاد بی‌سابقه و این خود نشان دهنده اهمیت و ژرفای این موضوع هستش. بنابراین موضوع هسته‌ای بی‌شک یک روکشی بیش نیست بر روی زنجیره‌ای از مسائل که سرنوشت اون منطقه رو تغییر خواهد داد و من فکر می‌کنم حتی یک شیفت بزرگ یک تغییر پارادایم بزرگ هستش در سیاست جهانی که هم منافع ما رو تحت الشعاع قرار خواهد داد چه مثبت چه منفی هم غرب رو و هم‌میهنان غرب رو در یک ترکیب و چینش جدیدی پدید خواهد آورد. و هم مسلمانا چین و روسیه چون اگر این تفاهم صورت بگیرد و این بچه سر زانو رود و سر زانو نبرندش به سقط جنین نینجامد ایران را می‌توانیم بگوییم که وارد حوزه‌ای شده است که نوعی عدم تعهد

وارد یک حوزه ای میشود به نام عدم تعهد یا همون — و به آلمانی می گویند — یعنی یک حالت میانه‌ای میان شرق و غرب و این اتفاقا کوششی هستش که در زمان حکومتی گذشته هم محمدرضا شاه سعی کرد به اون دست بیابد با اینکه ایران در حوزه غرب بود همپیمان غرب بود ولی کوشید به چین و به شوروی نزدیک بشود. بلند پایگانی از جمله خواهر محمدرضا شاه و همسر ایشان سفرهایی کردند که این باب گشاده بشه و ایران آنچنان وابسته به غرب نباشد. خب امروز ما می بینیم که این اتفاق بار دیگر دارد رخ می دهد و همپیمانی نسبی با پنج بعلاوه یک به این معنی هم هست که ایران از زیر نگین چین و روسیه تا حدود زیادی بیرون می آید و این فضایی رو برای ما باز می کند که در سیاست بین الملل امکان مانور بیشتری داشته باشیم. من فکر نمی کنم این به نفع روس ها باشد. کما اینکه آقای لاورف هر موقع امکانش رو پیدا می کرد از این مذاکرات در می رفت می رفت بیرون و همون طور آقای فابیوس که نمایندگی اسرائیل رو در حقیقت در این مذاکرات داشت می کوشید که فرصت پیدا بکند به هم بزند و بیرون برود. البته یک مقدار مسائل اقتصادی هم هستش جناب اخوان. صحبت سر تصمیم یک کیک بزرگ است. ایران گوشت فیله اون منطقه هست. بازار دامستیک مارکت بسیار گسترده ای دارد. ریسورس های بی مرزی که بر روی هم بگذاریم همه ریسورس ها روی هم بگذاریم غنی ترین کشور جهان هستش و یک جمعیت ۸۰ میلیونی که با غرب و با جهان امروز کامپاتیل هستند. یعنی شما نمی توانید مردم چین رو با مردم ایران مقایسه بکنید. نمی خواهم چینی ها رو پایین بیاورم. لیک ما در حوزه تمدنی قرار داریم که هم با شرق می توانیم و هم با غرب می توانیم. و این از ویژگی های تمدن های میانی هستش که همیشه پلی بودند میان تمدن های گوناگون و ایرانشهر همواره پلی بوده است میان شرق و غرب و یک طبقه متوسط که دارای نوع هایی هستش تحصیل کرده و این ها می توانند اقتصاد ایران رو دچار یک جهش بکنند و ما می توانیم برویم به جایی که شاید بتوانیم به کره جنوبی و یا ژاپن برسیم. آیا اینکه این مسئله خوب هست یا نیست اون مسئله دیگر نیست چون این می تواند خطراتی هم داشته باشد. ولی این امکاناتی هستش که بازار ایران به دست می دهد و برای هر شرکت صنعتی بزرگی آب را در دهان این ها جمع می کند. همین الان خبر موثق دارم بعد ایران حدود ۵۰ هواپیما به آمریکا سفارش داده است. این ۵۰ هواپیما چیز کمی نیست و در آلمان همین طور کاروان های اقتصادی بزرگی از آلمان ماه ها هستش که در تهران خیمه زدند و همگی منتظر این توافق هستند. بنابراین کاری که آقای اوباما دارد انجام میدهد بدون اجازه انجام نمیدهد. بدون اجازه محافل مشخصی انجام نمیدهد. در کنارش بخش های دیگه ای هستند که کاملا مخالف هستند و خرابکاری های گسترده ای می کنند. دلواپسان فقط در تهران نیستند. در این سوی آب ها هم دلواپسان بسیاری وجود دارند که علنا و به صراحت می گویند این اتفاق نباید بیافتد. من سخنرانی رو دیدم آقای پتریک لاسان که می گوید حتی ما باید برای جلوگیری از این مسئله یک فالس فلگ یک کار دروغین انجام بدهیم و جنگی راه بیندازیم که این اتفاق نیافتد. آقای نتانیاهو و جمهوریخواهان در آمریکا تا پای یک کودتای حقوقی علیه اوباما رفتند و اون سخنرانی معروف در مجلس که اتفاق افتاد و آقای نتانیاهو ایران رو و خامنه ای رو با هاما مقایسه کرد وزیر هخامنشی که می خواهد به اصطلاح یهودیان رو از بین ببرد. یعنی ما در یک شرایطی تاریخی قرار داریم که نیروها دارند میروند تا آخر خط. ترجمان این سخنی که آقای نتانیاهو در مجلس گفت یا ترجمان سخنانی که آقای مک کین می گوید و می گوید اگر این توافق صورت بگیرد ما امکان بمباران ایران رو دیگر نخواهیم داشت. ترجمان این هست که یا این توافق صورت می گیرد و اگر نگیرد و کسانی جلویش را بگیرند ایران در هم کوبیده خواهد شد. این بدیل دیگرش هستش. مسئله ای که اینجا باید بهش اشاره کرد این هستش که کسانی که با این توافق که هنوز زاده نشده ما آستن این توافق هستیم مخالفت می کنند یا نمی دانند یا خود را به نادانی می زنند. بدیل عدم توافق جنگ است و زیرساخت های ایران

رو نابود کردن و یک پوریم درمانی از ایران کردن. کارهایی رو که آقای نتانیاها و امثال اون انجام می دهند نباید دست کم گرفت. مردان بانفوذی هستند مردان نامداری هستند و محافل ویژه و با نفوذ پشتشون هستند. لیک آنچه که امروز واقعیت روی زمین هست نشان می دهد که دیگری هم هستند. تیم اوباما که امروز این دلیل رو هم آغوشی رو دارد با جمهوری اسلامی انجام میدهد این ها نقشه های دیگری در سر دارند و به نظر می آید که تقسیم قدرت در خاورمیانه دارد اتفاق می افتد به ضرر و به زیان روسیه. ما امروز نشانه هایی داریم که ناو پنجم آمریکا از بحرین خارج خواهد شد و به سمت چین خواهد رفت. طرح آقای اوباما از آغاز این بوده تمرکز کردن بر روی چین و به نوعی تفاهم رسیدن با جمهوری اسلامی. پرسشی که برای ما ایرانشهریان مطرح هستش این است که آیا ما به دلیل دشمنی فکر می کنم طبیعی که با جمهوری اسلامی داریم و نه تنها با جمهوری اسلامی بلکه با ۱۴۰۰ سال پیش از اون چون جمهوری اسلامی بر آیندی هستش از تاریخ ۱۴۰۰ ساله و ما در این برنامه بارها در این زمینه سخن گفته ایم. این نباید اجازه بدهد که سطح تحلیل ها پایین بیاید روزنامه نگارانه شود. موضوع دارای اهمیت تاریخیست و به بود و نبود ما بستگی دارد. در این لحظه تاریخی و در این نقطه مشخص منافع حکومتی جمهوری اسلامی به طور اتفاقی با منافع ملی و با منافع تمدنی ما موازی شده است. درک این مسئله بسیار مهم است. جمهوری اسلامی حبی به ایران زمین ندارد. لیک رویدادهایی که دارد اتفاق می افتد این رژیم رو مجبور کرده است به جایی برود که به سود ماست. یک مسئله ای هم که هستش اینکه کی جام زهر رو خورده؟ این ها شعارهای ژورنالیست است. جام زهر مهم نیست. من فکر می کنم جام زهر رو عربستان و ترکیه و تا حدودی اسرائیل خوردند. بنابراین اهمیت داستان برای ما ماندن ایران هستش. سطح اقتصادی مردم ایران رو بالا آوردن. رژیم تحریم هایی که بر ایران اعمال شد در تاریخ بی سابقه است. هیچ کشوری به این صورت تحت تحریم همه جانبه واقعا فلج کننده نبوده است. ایرانیان از این مسئله سربلند بیرون آمدند و دیپلماسی رو پیش بردند که در طول دویست سیصد سال گذشته ما هرگز همچین غنایی از هنر دیپلماسی رو مشاهده نکردیم.

- جناب گرگین من خیلی خوشحالم از اینکه می بینم که شما تفسیری رو عرضه کردید که تمام جوانب کار رو بررسی کرد و صحبت کرد و همین طور چه به دقت و چه قدر نشون میده که شما در تمام طول این مدت تمام مسائل هسته ای رو دنبال می کردید، توی جلسات بودید می دونستید کی رفته بیرون، کی اومده بیرون. مطمئن هستم که تمام مفاد مواد قرارداد رو خوندید. فکر نمی کنید که مسئله آقای مک کین و یا دیگری که در آمریکا دارند از حزب مخالف آقای اوباما دارند صحبت می کنند، یک جریان فریاد سیاسی؟ اگر هر اتفاقی بیافته صد درصد هم به نفع جامعه آمریکا اگر باشد برای اینکه اونجوری که شما صحبت می کردید که الان ۵۰ تا هواپیما که سفارش دادند به کی سفارش دادند؟ به بونینگ سفارش دادند دیگه حتما پس معنای این کار و بودجه و سرمایه میاره تو این مملکت و کار ایجاد می کند پس بنابراین اینها فقط شعارهای تبلیغاتی است. از پشت قضیه شاید اینها دستاشون هم اصلا تو هم باشه فکر نمی کنی؟

- جناب اخوان حرف شما سخن شما کاملا درست است و اگر آقای مک کین و امثالهم انسانهای عاقلی بودند همین جوری می نگریستند که شما و یا بنده می نگریم. چون به هر حال پایین آوردن شعله جنگ امریست مقدس. جنگ راه انداختن و کشورها رو بمبدرمانی کردن آنگونه که عراق انجام شد، لیبی انجام شد و کشورهای دیگر و بلایی که سر سوریه آوردند فکر نمی کنم هنری باشد که هیچ مرد آمریکایی بتواند بدان ببالد. لیک مردانی هستند در آمریکا که این شیوه زندگی سیاسیشون بوده و تاریخ آمریکا شوربختانه نشان می دهد که یک زنجیره ای هستش از این امور که آنچنان خوشایند نیست.

آقای مک کین تنها نیست، فرد نیست. این‌ها نهاد هستند و یک سری سخنگوهایی دارند که آقای مک کین می‌تواند یکیش باشد. بنده فکر می‌کنم یک جنگی... معذرت می‌خواهم... یک جنگی در درون خود آمریکا نیز هست. شاید بتوانیم میان ایست کست و وست کست. نبردهای درون قدرت آمریکا بسیار پیچیده است و در سطح جهان هم همین طور. من دیدم که پاپ آمده و از این مسئله دفاع کرده است. ما جناب اخوان در شرایط تاریخی قرار داریم که نبرد خدایان هم هست فقط نبرد مردان بر روی زمین نیست. وقتی اینگونه عربستان وارد بازی میشه و به عنوان سرزمین مقدس اسلام وقتی اسرائیل به عنوان سرزمین مقدس یهودیت این‌گونه وارد بازی میشه با تمام قوا می‌آید و می‌گوید این کسی که در ایران هستش هامن است. این ارجاعات تاریخی، مسلماً یک داستانی بیشتر نیست داستان استر، ولی برای سیاست امروز مدلی برای گفتگو شده است و یا اتفاقاتی که در ایران دارد میافند یک مردی آخوندی به نام یونسی می‌آید و می‌گوید ایران امپراتوری زاده شده است و عراق بخشی از هویت تاریخی ماست. این‌ها سخن‌هایی نیستش که بتوان ساده گرفت. نمادهایی هستند از یک جریان‌های ژرف تاریخی و همینی که امروز جناب شاهین اینجا نشستند و بنده نشستم نسل ما و از ایران‌شهر سخن می‌گوییم این نیز اتفاقی نیست. بنده فکر می‌کنم خدایان البرز در این زمینه نقشی دارند و پیشگیری از این جنگ، جنگ خانمانسوز که دودش نه تنها در چشم ایران بلکه در چشم تمامی بشریت می‌توانست برود و پای چین و روسیه می‌توانست به این داستان کشیده شود بازی کمی نیست که می‌خواستند راه بندازند و تا امروز موفق نشدند فکر می‌کنم خدایان هم در این زمینه نقشی دارند.

- حالا ما خدایان رو رها بکنیم و با اجازتون من می‌خواهم ببینم که شاهین هم چی میگه اونوقت من به چند تا سؤال دارم که از هر دوی آقایون مطرح خواهم کرد. شاهین جان شما نظرت چیه؟

- خب مطلبی که پیش اومده از دو منظر می‌خواهم بهش نگاه کنم. یک نظرگاه یا چشم‌انداز اینه که توی این هشت نه روزی که گفتگوهای بسیار مفصل و فشرده بوده به طور مشخص فقط و فقط مسئله هسته‌ای نبوده که در موردش توافق یا تفاهمی صورت گرفته.

- باریکلا.

- در کنار این یک بسته‌ای بوده که ما این را میدیم و این را می‌گیریم به این صورت حل شده. بنابراین من مطمئنم در مورد سوریه در مورد یمن در مورد لبنان در مورد سرنوشت حزب‌الله در مورد سرنوشت داعش در مورد ارتباط ایران با قفقاز در مورد ترکیه عربستان در مورد همه اینا صحبت شده غیرممکنه که شما بروی با یک نفری که معامله‌گر خویست معامله بکنی اونم نه یک به یک، یک به شش یعنی در حقیقت تمام قدرت‌های دنیا بیایند اونجا برنامه توافق نیست برنامه یک سری توافقی‌هایی است که یک زمان انجام شده زیر پوشش هسته‌ای بنابراین اگر که یکی از دو طرف جر بزنه فرض کنید جمهوری اسلامی بره فردا دوباره شروع کنه یواشکی تعداد ساترینیوژها رو زیاد کردن یا سطح غنی شدن رو بالا بردن تمام اون بسته توافق به هم خواهد خورد. این به مطلبه مطلب دوم اینکه عده‌ای خب خوشحالی کردند از بابت این توافق عده‌ای هم ناامید شدند و احساس ناراحتی کردند. انگیزه‌های پشت این خوشحالیها بسیار بسیار متفاوت گاهی وقتها متضاده.

انگیزه‌ای که فرض کنید دوستمون جناب گرگین یا من به مقدار خیالمون راحت شده که مسئله حمله به ایران دستکم در میان مدت و کوتاه مدت مطلبیش که دیگه دستکم مطرح نیست، چون حمله به ایران، ما مار و ملخ و مور کم نداریم اینا از تو سوراخ درمیامندند. شما می‌دیدید به دفعه یک داعشگونه‌ای در بلوچستان درست میشد یک بامبولی رو آقای جمهوری باکو در منطقه آذربایجان درست می‌کرد و ما رو دچار مشکلاتی می‌کردند که امروز روز روحمون هم خبردار نیست. ولی

می شد فهمید که خلیها بوی کباب خواهند شنید و جنگ تو اون منطقه فقط با خودش سرنگونی یک نظام رو نمیاره نظام رفتنیست حالا امروز نره فردا نه پسفردا ولی دیگر ممکن بود اصلا چهارچوب کشور به هم بخورد و فروپاشی دیگه قابل برگشت نبود همچنان که ما در ۱۰۰ سال گذشته ۱۵۰ سال گذشته هرچه از دست دادیم دیگه به دامن ایرانشهر بازنگشت. امیدواریم بازگرده ولی تا الان باز نگشته حالا این خوشحالیها از کجا بود؟ عده ای خوشحال بودند بخشی از مردم نه خیلی ولی به هر حال برخی اومدند در خیابون پایکوبی کردند و وقتی هم صحبت می کنی می بینی که تصورشون اینه که روابط با غرب عادی میشه و حالا تصویر دیگه که فردا لابد حجاب هم از ایران برداشته میشه مکدونالد و برگر کینگ و پیتزاهات به ایران میره. بعد خیلی راحت ۲۴ ساعته ویزای امریکا و اروپا داده میشه. اینا هست اینا بخشی از مردم ما یه همچین تصویری دارند و اصولا فکر می کنند عادی شدن روابط با غرب یعنی خوشبختی. حالا برخی چیزهاش خوبه برخی چیزهاش هم خوب نیست. اما برخی این انگیزشون بود فارغ از اینکه در این تفاهم یا توافق منافع ملی کجاست تمدنی کجاست مصالح حکومت چیست کی در این وسط چه چیزی رو داره می بره عده دیگری خوشحالتد به انگیزه دیگری عده ای خوشحالتد چون احساس می کنند که خب طبیعتا در این مذاکرات یکی از چیزهایی که حکومت گرفته یک امنیتی یک بیمه ای در برابر عدم کوشش غرب برای سرنگون کردنش اونهایی که با جمهوری اسلامی سمپاتی دارند نزدیکند بهش هوادارش هستند یا دستکم اونقدر ناراضی نیستند که ریسک یک تغییر دیگه رو بپذیرند خوشحالتد که این خطر بگذره جمهوری اسلامی ماندگار بشه با غرب هم سازش کنه و مطلب از نظر اونا ختم بخیر بشه. این انگیزه ی دوم برخی ها هست.

- ولی این انگیزه ها در اصل مسئله هیچ گونه نقشی نخواهد داشت.

- کاملا و می رسیم اتفاقا به منظرگاه سوم یعنی اون چیزی که ما فکر می کنیم در اون کمپ قرار داریم و اون اینه که ببینید ما توی سال های گذشته به طور مشخص در ۳۶ سال گذشته و به طور ویژه تو هفت هشت ده سال گذشته مرتب به خاطر انزوا دچار خسارت های بزرگ تمدنی شدیم. یعنی شما می بینید چهره های ایرانشهری مصادره شدند یا ترکها یا عربها بردنشون ثبت هم کردند تموم شد نوروز رو جمهوری آذربایجان روش دست می ذاره خلیج فارس عملا الان در نیمی از نقشه های جهان خلیج عربی شده به خاطر انزوای ما و پولی که خرج شده شما می دونید ترکیه نه تنها آسیای میانه رو گرفته زیر نگین خودش با بازرگانی و با دادن بورس های تحصیلی حتی در تاجیکستان حتی در بخشی از بکستان که کاملا ایرانشهریست نفوذ کامل داره خیلی بیش از ایران. در ترکمنستان بغل گوش ما عملا به عنوان یک استان ترکیه داره عمل می کنه. ترکیه امروز ترکیه آتاترک نیست. ترکیه ایست که آقای اردوغان و هم فکرانش یک پان عثمانیسمی رو در حقیقت دارند دامن می زنند که همراه عنصر ترکی خیلی پررنگ تر از گذشته عنصر اسلامیست. یعنی اینها به دنبال احیای خلافت عثمانی هستند. این جریانات دیگه جمهوری اسلامی یا پادشاهی پهلوی یا یه جمهوری سوسیالستی رو در ایران برانش تفاوتی نداره. برخورد برخورد ماهویست. ماهیت ها دارند با هم برخورد می کنند و کار ما این وسط بسیار سخت است. از سویی می خواهیم آب به آسیاب کسانی که تو این ۳۶ سال به کشور ضربه زدند نریزیم. از سوی دیگر می دانیم که در شرایط کنونی دشمنان بسیار خطرناکی نشستند و منتظر فرصت هستند که کمر ما رو یک بار دیگه مثل ۱۴۰۰ سال پیش بشکنند. از اون کمرشکستن هایی که ممکنه دیگه قابل بازگشت نباشه. در نتیجه ما فکر می کنیم اینو قبلا هم گفتیم این شعار که جمهوری اسلامی به هر قیمتی برود من فکر می کنم شعار ایران دوستانه ای نیست. ما باید با توجه به منابع خودمون با توجه به مصالح دراز مدت کشورمون با یک رستاخیز ایرانی کاری بکنیم که ماندگاریمون تضمین بشه حالا نه به هر قیمتی ماندگاری در رده بالا و بعد بتوانیم

یک حکومت ایرانی رو در این ایران شاهد باشیم یک حکومتی بر پایه بنیادهای ایرانی و به خاطر مصالح ایرانی و ایرانشهری. در غیر این صورت افتادن تو این دامی که اگر این‌ها بروند و بمباران بکنند فردا راه باز میشه و ما میریم ایران و کشور میشود گل و بلبل می‌شود سوئیس و دانمارک و نروژ این خیلی خیلی به نظر من خام انگاریست.

- اصلا تفکرش هم حتی قبح داره که آدم بخواد بگه که فقط به خاطر اینکه خودم سفر بکنم بذار بزنند داغون کنند. من اجازه می‌خواهم چون این برنامه تقریباً آخرین برنامه‌ایست که قبل از سفر شما به پاریس و میدونم که شاهین جان عازم هستی خودت و تمام تیم نوزایی ایرانی به پاریس برای همایش اینکه در پاریس دارید به همین علت ازتون خواهش میکنم که از اتاق فرمان خواهش میکنم که آگهی همایش رو پخش بکند و بعد من برمی‌گردم در خدمت شما هستم. خواهش می‌کنم

- همایش رنسانس ایرانی در پاریس ۱۰ تا ۱۲ اپریل ۲۰۱۵ رستاخیز فرهنگی ایرانیان در گروی کوشش و مشارکت ایراندوستان است. آنانی که فرهنگ‌سازان ایران آینده هستند اکنون باید کنار یکدیگر بایستند و با بهره‌گیری از سرمایه‌های معنوی ملی و خرد جمعی راه نوزایی ایرانی را شکل دهند. فرزندان فردوسی گرد هم می‌آیند تا ایرانشهر خود را دریابند. برای شرکت در این همایش با آدرس‌های زیر تماس بگیرید. ۱۰ تا ۱۲ آپریل در پاریس.

- آرش گرگین کیخسرو آرش گرگین و شاهین نژاد مهمانان امروز برنامه نوزایی ایرانی هستند. یه چیز می‌خواهم بگم شاهین قبل از اینکه اصلاً به هر جا صحبت کنی، از کروات خیلی خوشم اومد این علامت فروهری که روش هست اصلاً بیداد خیلی انگلیسی تایپ ولی فروهر روش بماند. دارید میرید به پاریس فقط برای همایش به پاریس نمیرید. به جاهای دیگه‌ای هم میرید. می‌خواهم ببینم که اونجاها چرا میرید و بعد آیا این مواردی رو که الان ما صحبت کردیم راجع به این تفاهم هسته‌ای آیا در پاریس هم دنبالش رو خواهید گرفت؟

در پاریس سه روز دهم یازدهم و دوازدهم اپریل همایش رنسانس ایرانی رو برگزار می‌کنیم. همایش با همایشی که در سندیکو پارسال ۲۰۱۴ برگزار شد یک تفاوت عمده‌ای دارد. جدا از سخنرانی‌ها و پنل‌های گفتگو ما اونجا در حقیقت می‌خوایم نطفه‌های ۵ تا شبکه رو بریزیم. ۵ تا شبکه به صورت کارگروه آغاز به کار کنند در اونجا آغاز میشود ولی هفته‌ها و ماه‌های آینده این جریان در حقیقت گسترش پیدا می‌کند. ۵ تا کارگروه یا انگلیسها یا فرانسویها می‌گویند کامیتی. در حقیقت می‌خواهند کار تخصصی بکنند. یه کار مهندسی شده انجام بدهند. برای جاری کردن ایده نوزایی ایرانی در جامعه برونمرزی و درونمرزی یعنی به این صورت که ما می‌ایم افراد رو بر اساس استعدادها و گرایش خودشون به انجام کار تخصصی تقسیم‌بندی می‌کنیم کارگروهی داریم فرض کنیم معرفی رنسانس ایرانی به غیر ایرانیان، کارگروه روانشناسی و جامعه‌شناسی ایران، کارگروه تولید اندیشه و جستارهای نظری، کارگروه افکار عمومی و رسانه. باید همه این کارگروه‌ها که البته در آینده ممکنه افزایش هم پیدا بکند در طول هفته‌ها و ماه‌هایی که میاد با هم در تماس باشند از طریق طبیعتاً سایبری چون در جاهای مختلف دنیا پراکنده اند و اینها یک ارتباط منظمی بینشون برقرار بشه یه کارگروه به کارگروه دیگر خوراک میده اون کارگروه باید بتونه اجرا کنه بر اساس خوراک باید ویدیو موزیک بسازه کلیپ آموزشی بسازه کاریکاتور بکشه سمینار بذاره وینار بذاره انتشارات داشته باشه کارگروه دیگر باید خوراک رو بگیره ترجمه کنه بره سراغ کردهای سوریه کردهای عراق بره سراغ همسایگان ما در ارمنستان بره سراغ تاجیک‌ها و ازبک‌هایی که فارسی صحبت می‌کنند ولی نمی‌توانند بخوانند خلاصه برود سراغ مجامع فرهنگی غرب و مجامع دانشگاهی غرب و به اونها بگوید که در این نوزایی ایرانی چه چیزی می‌تواند برای شما باشد. آیا برکشیدن فرهنگهای ملی در منطقه آسیای میانه غرب آسیا و

خاورمیانه در برابر فرهنگ مذهبی که فرهنگیست که متأسفانه در حال حاضر استفاده ای که ازش شده در جهت اعمال خشونت بسیار شگفت انگیزی در خاورمیانه است آیا می تواند راهگشا باشد؟ یعنی آیا یک انسان خاورمیانه ای فقط یک موجودیست که شما با مذهب می شناسیش و بهش میگی شیعه هست یا سنی یا می توانی بیایی این رو در غالب یک سوری که پشت سرش یک تمدن بیژانس هست یک مصری که پشتش تمدن نفتی هاست و یا عراقی که پشتش بابل بوده. این ها رو اگر ما برکشیم می تواند کمک بکند به اینکه یک مقدار توازنی که در حال حاضر تو منطقه هست به هم بخورد. اینها بحثهاییست که ما پی می گیریم

- و در حقیقت نوزایی ایرانی می خواهد نوزایی ایرانی رو به خارج از مرزهای خاورمیانه در خاورمیانه هم گسترش بدهد و تفاهم فرهنگی بین همه به وجود بیاورد. بله؟

- نوزایی ایرانی در حوزه تمدنی ایران شهر یعنی آنچه که از سیردریا تا فرات هست رود فرات هست و از گرجستان در منطقه قفقاز تا یمن است در اینجا ما مدعی هستیم دستکم در حوزه تمدنیمون باید دارای نفوذ باشیم و امیدواریم این بتواند ایرانی تبارها ایرانی زبان ها و کسانی که در حوزه نوروز یا حتی بزرگتر از اون قرار دارند تحت تاثیر قرار بدهد اما در مصری که ممکنه زیر حوزه تمدنی ایران شهر نباشد هم می تواند الگویی باشد، مدلی باشد برای مصری ای که بداند به جز هویت اسلامیش که حالا فرض کنید ده درصد جمعیت مسیحی، نود درصد جمعیت مسلمان این ها مصری هستند اینها از فضا که نیومدند اینها دارای تمدنی بودند. شاید تمدن های بومی و فرهنگ های ملی رو برکشیدن در برابر فرهنگ مذهبی بتواند یک الگویی باشد برای دیگر سرزمین هایی که در این منطقه جغرافیایی بسیار بزرگ قرار گرفتند و به اون ها هم کمک کند از این سیکل بسته بیرون بیایند.

- مرسی با اجازت آقای گرگین

- خواهش میکنم

- بله در خدمتتون هستم خدمتتون عرض کنم که شما فیلسوف هستید و سیاستمدار و سیاست رو یک فیلسوف عمیق تر نگاه می کند. دیدگاه دیگری دارد تا کسی که فقط به سیاست میپردازد برای زندگی کردن و حرفه ای، حرفه ی سیاسی داشته باشد. شما این تفاهم رو شخصا از نظر اقتصادی، فرهنگی و سیاسی چگونه می بینید؟

- بنده در هر سه زمینه ای که شما فرمودید مثبت می بینم هم در زمینه اقتصادی که البته چیز شاقی هم نیست. یعنی تمام مفسران برداشته شدن لغو تحریم ها رو یک جهشی می دونند برای اقتصاد ایران. دست کمش این هستش که به پیش از اگر ما توافق بکنیم که این تحریم ها اقتصاد ایران رو بهش ضربه زده که در این شکی نیست، برداشتن این تحریم ها در بدترین تصور می تواند اقتصاد ایران رو به پیش از این دوران برگرداند. زمانی که فکر میکنم دلار یک چیزی حدود هزار تومان بود. حالا اینکه برگردد به اون مسئله دیگر نیست. ولی من فکر می کنم همون جوری که هم بنده کوشیدم که توضیح دادم و هم جناب شاهین، صحبت بسیار گسترده تر از این امور هستش صحبت سر یک دیل بزرگ سر یک معامله بزرگ هستش و یک رویارویی با چین و روسیه یعنی سبکبال شدن آمریکا در خاورمیانه و سپردن خاورمیانه به یک قدرت منطقه ای به نام ایران و تقسیمش میان ایران و عربستان سعودی به این منظور نیستش از این رو نبوده که آمریکایی ها عاشق چشم و ابروی جمهوری اسلامی اند یا از ایرانیها خوششون میاد خیر چنین چیزی نیست. آمریکا میراثدار تمدن روم هستش و روم میراثدار

تمدن آتن هستش و این‌ها در یک نبرد تاریخی با شرق هستند و ایرانشهر دیوار تمدنی مشرق زمین بوده همواره. امروز کسان زورشان نمی‌رسد هم با چین هم با روسیه در اوکراین و هم با ایران در یمن و عراق و سوریه و لبنان این فضای گسترده نبردی که آغاز کردند و خودشون آغاز کردند، این فضای نبرد دارد فرسوده می‌کند نیروهایی رو در درون خود آمریکا. از این منظر یک سری انسان‌هایی که من فکر می‌کنم نسبیستی عقلانیت درشون هست آمدند و فیتله جنگ رو دستکم برای مدتی با ایران پایین کشیدند و یک تقسیمی کردند اون منطقه رو میان ایران و عربستان سعودی که من فکر می‌کنم عربستان سعودی آینده آنچنان خوشی نخواهد داشت. این پوست موزی که زیر پاش گذاشتند و ورود عربستان سعودی به یمن می‌تواند به شورش‌هایی در بخش نفتی عربستان که شیعه‌نشین هست بیانجامد که حدودی هم آغاز شده است و پیشینه هم داشته است و من فکر می‌کنم آمریکا اصولاً دوست خوبی نیست هرگز دوست خوبی نبوده و هر کی به آمریکا دست داده است پشیمان شده است. این برنامه‌ای که امروز چیده شده برای عربستان سعودی آینده خوشی برای آن‌ها نخواهد داشت ولی مهم این است آمریکا دارد می‌رود به سمت چین ابر قدرتی مانند چین با یک و نیم میلیارد جمعیت و تولیدی که بی‌مرز هستش آمریکا رو می‌تواند در بنورد. از همین مهار کردن نظامی چین احتیاج به نقل و انتقالاتی دارد در حوزه آسیای جنوبی و آسیای شرقی که این‌ها دارند انجام می‌دهند و دیگر حوصله کجدار مریز کردن و یا سر کله زدن به آخوندها در تهران رو ندارند. از این منظر وارد یک دلی شدند که یک عده ای مخالفش هستند اونها دلایل دیگه‌ای رو دارند. آقای نتانیاهو و تیم اون بر این باور هستند که باز گذاشتن دست جمهوری اسلامی می‌انجامد به گسترده‌گی حوزه نفوذ ایرانی‌ها و به قول خودشون پارسها یا مجوس‌ها. ایشون حق دارند به اینجا می‌انجامد لیک مردانی چون اوباما و کری به این باور رسیدند که چاره دیگه‌ای ندارند از این روزن هستش که من فکر می‌کنم هم آمریکا مجبور شده است بیاید پای میز بنشیند و هم یک سری در تهران مجبور شدند بیایند بنشینند پای میز و این فارغ از اینکه چه نیت‌هایی پشت سر هر کدام از اینها هستش برای تمدن ما و برای مردم ایران و مردم منطقه مفید است. ایران در یک اشغال تمدنی به سر می‌برد. جمهوری اسلامی یک جنازه تاریخیست که بر دست ما قرار گرفته و ما باید این رو تشیع بکنیم. لیک تشیع این جنازه که بر روی دست ماست نباید به فروپاشی جغرافیای ما بینجامد. خوشبختانه کسانی در ایران هستند که دارند می‌آیند به این موضوعاتی که ما مطرح می‌کنیم ایرانشهر، ایران بزرگ، ایران حوزه فرهنگی نوروژ و در درون خود حکومت هم هستند. یک مسئله‌ای رو من اینجا اشاره بکنم. وطن‌پرستی رو سکه اش به نام ما نزدند. لزوماً کسی که در بیرون هستش و دارد آزادتر سخن می‌گوید و آزادتر می‌اندیشد، وطن‌پرستر از اون کسی که در خود حکومت در بعضی جاها دارند کار می‌کنند نیست. ما ۱۴۰۰ سال هستش در اشغال هستیم. این سرزمین خواجه نظام الملک‌ها رو هم داشته که با مغول‌ها کنار آمدند. این‌ها رو باید در نظر گرفت و مغول‌ها رو مجبور کردند زبان پارسی رو ببرند به شرق. این‌ها اموریست که در سرزمین ما اتفاق افتاده و من می‌بینم که در درون حکومت ایران لایه‌هایی دارند به کنار زده میشوند. دلواپسانی دارند به کنار زده میشوند و کسانی دارند میان رو که لحنشون با لحن انقلابیون نخست متفاوت است.

- آقای گرگین البته با تفسیری که شما فرمودید من این نتیجه‌گیری رو دارم می‌کنم که در حقیقت این تفاهم رو میشه به نفع طرفین محاسبه کرد. یعنی یک تفاهم وین وین است. نه اینکه فقط ایران و خاورمیانه ازش بهره خواهد گرفت. غرب هم کشورهای پنج هم به اضافه آمریکا اون‌ها هم هر کدومشون سهمی دارند و بهره‌گیریهایی خواهند داشت. کما اینکه در قسمت اول اشاره کردی که مثلاً آلمان الان چند گروه رو در ایران داره که منتظر هستند که بریزند و فعالیت‌های اجتماعی رو شروع بکنند و تجارت رو شروع بکنند.

- من یک مثال می‌زنم برای شما. ببینید الان حدود ۶۰۰ میلیارد پول ایران در چین بلوکه است و حدود ۲۰۰ میلیارد در اروپا و آمریکا. چینی‌ها معذرت می‌خواهم که این لفظ رو به کار می‌برم لیک با خرمردندی تمام از این سرمایه ایران که بلوکه شده به خود ایران وام می‌دهند با بهره شانزده هفده درصد. بنابراین آزاد شدن این سرمایه‌ها و بازگشت و سرشکن شدنش درون بازار ایران نخست اینکه می‌تواند یک شک اقتصادی به ما وارد نکند این خطرناک است. دوم اینکه مستقیم نیاید به صورت جنس، به صورت کالا، به صورت سرمایه‌گذاری میاد و این دعوایی که در این ۸ روز اتفاق افتاد، کش و وا کش‌ها همش هم سیاسی نبود. بخش اعظمش هم اقتصادی هستش که هر کدام از این‌ها سهمی می‌خواهند از این مسئله یعنی می‌خواهند در این گشایشی که دارد رخ می‌دهد سهمی داشته باشند. مسلماً برای اروپا بسیار مثبت هستش بازار ایران اروپا دعوایی با ایران ندارد هیچ دعوایی با ایران ندارد اروپا به ویژه آلمان که بنده درش زندگی می‌کنم آلمانی‌ها به طور سنتی چه در زمان رضا شاه بزرگ چه بعدش حتی در زمان شورش ۵۷ آلمان نقش مستقیمی بازی نکرد چاره دیگری نداشت که تن در بدهد. آلمانی‌ها سود دارند در بازار ایران و به نفعشون هستش که در اونجا حضور داشته باشند. یه سری محافلی نمی‌گذارند. امروز عقل جمعی پایتخت‌های مغرب زمین به اینجا رسیده که باید با پارسها کنار اومد. فرقی نمی‌کند در ایران چه رضا شاه باشد چه محمدرضا شاه چه آدم‌های دیگری این پارس‌ها یک سری نیازهایی دارند که باید اینها برآورده بشود و نمی‌شود اینها رو زمین زد. مردی مثل برنارد لوئیس که فوت کرد و یک سری تسلیت گفتند بهش که ایشون بر این باور بود که پارس‌ها رو نمی‌شود زمین زد. این‌ها رو کسانی که توی ۱۴۰۰ سال زبان و فرهنگ خود نگه داشتند تنها راهشون تجزیه جغرافیاییه. از همین رو بود که طرح ۵۷ و طرح بلوچستانی کردن، کردستانی کردن، آذربایجانی کردن در حقیقت اماراتی کردن ایران رو خواستند انجام بدهند. نتوانستند. آقای بوش تلاش کرد انجام بدهد با خاورمیانه بزرگش نتوانست. داعش رو پدید آوردند نتوانستند ایرانیان پایداری کردند و این رژیم خواهد رفت آنچه که می‌ماند ایران هست و مردانی که در ایران رشد خواهند کرد و اداره خواهند کرد.

- زهی کلامت. شاهین جان فرصت زیادی برای برنامه نداریم خواهش میکنم شما اگر نظری داری و می‌خواهی مسئله دیگه ای داری عنوان بکن.

- حتماً من به مطلبی می‌خواستم اضافه کنم به صحبت‌هایی که شد. برخی بسیار ناامید شدند از این تفاهمی که صورت گرفت. برخی این گونه نظر دادند که ساخت و پاختی که بین غرب و شرق و جمهوری اسلامی روی داده باعث ماندگاری جمهوری اسلامی برای سال‌های دراز خواهد شد. من برای دوستانی که این گونه فکر می‌کنند یعنی فکر می‌کنند ساخت و پاخت با غرب یعنی ماندگاری و درگیری با غرب یعنی رفتن دو تا نمونه رو مثال بزنم یا سه تا حتی. صدام حسین ما می‌دونیم به طور قطع سلاح شیمیایی داشت علیه کردهای عراق به کار برد علیه سربازان ایرانی به کار برد این رو مطمئنیم ما شواهدش هست. موقعی که جورج بوش گفت که سلاح کشتار جمعی دارد صدام حسین، صدام حسین سریع اینها رو از بین برد بنابراین وقتی برای بازرسی رفتند واقعا سلاحی اونجا نبود صدام جا زده بود چون می‌دونست ممکنه حمله بشود بهش اتفاقی که رخ داد علیرغم از بین بردن اون سلاح‌های کشتار جمعی توسط خود صدام غرب بهش حمله کرد و اون بلا سر صدام اومد که همه مون دیدیم در حقیقت موقعی که کوتاه آمد زمینه انداختنش فراهم شد. در مورد لیبی فراموش نکنیم که قذافی هواپیمای پن امریکن رو زد در لاکوربی اسکاتلند افتاد تعداد زیادی مردند این‌ها هم رفتند بمب انداختند دخترش مرد جسد دخترش گرفت جلوی دوربین اومد و پس از مدتی احساس خطر کرد و یک دفعه راه رو عوض کرد و در یک

مصاحبه تکان دهنده گفت که کی گفته من رهبر جهان عرب هستم. من اصلا عرب نیستم من افریقایی هستم و اصلا ادعاش رو پس گرفت و شروع کرد پس رفتن و پس رفتن نهایتش آن شد که ناتو حمله کرد ۳ سال پیش با اون وضعیت فجیع انداختنش و حالا کنار این دو تا من میخوام نفر سومی رو بگم که با این دو نفر از یک جنس نبود ولی سرنوشت همین گونه شد و اون محمدرضا شاه است. شاه فقید موقعی که وارد جنگ نفتی شد با غرب با کشورهای مصرف کننده و قیمت نفت رو به طرز سرسام آوری افزایش داد و موفق شد رهبری اپک رو عهده دار بشود، در جهت دفاع از منافع ملی ما ایرانیان خب سرشاخ شده بود با این ها ولی موقعی که آثار انقلاب رو دید بلافاصله کوتاه آمد عقب رفت و گفت شما چی می خوانین؟ شما می بینید کوتاه آمدن شاه فقید رو جلوی انگلستان و امریکا باز گذاشتن دست بی بی سی نبستن در سفارتخانه های انگلستان و امریکا در ایران همه نشانه ها این بود که دارد شاه فقید عقب می نشیند و عقب نشینش همراه با فروافتادن بود. اگر مواضع اواسط دهه هفتادش رو شاه نگه می داشت حتما این معامله باهاش نمی تونستند انجام بدهند که انجام دادند. حالا جمهوری اسلامی هم از یک شعاری و از یه برنامه ای کوتاه آمده انگیزه اش هرچه که باشد جمهوری اسلامی رو آسیب پذیرتر می کند نه آسیب ناپذیر.

- مرسی. دو دقیقه وقت دارم برای آقای کیخسرو آقای آرش گرگین اگر فرمایشی دارید عنوان بفرمایید و گرنه من این کلام آخرم رو بگم.

- با کمال میل. کاملا همین گونه هستش که دوستان گفتند و کوتاه آمدن در برابر غرب یعنی فروپاشی و از دست دادن همه چیز لیک من فکر می کنم ایران کوتاه نیومده است یک عقلانیتی به خرج داده است. ما میان کوتاه آمدن و عقلانیت باید تفاوت بگذاریم و امر مهمی که در اینجا رخ داده است بسته ماندن در پادگان های ایران هستش. این ها کوشیدند موضوع رو به پادگان ها و سایت های نظامی ایران هم بکشوند و موفق نشدند. ما امروز تفاهمی رو داریم می بینیم که من فکر می کنم هم برای اروپا و آمریکا خوب هستش، اگه بخواهیم واقعا با حسن نیت برخورد کنیم. من حسن نیتی در اونها نمی بینم. در غرب حسن نیتی نیست. لیک ولی ما ایرانی هستیم، آریایی هستیم و نیکی همگان رو می خواهیم. این داستان هم برای غرب خوب هست و هم برای ایرانیان. امیدوارم که سرزا نرود.

- من خیلی از هر دوی آقایون آقای کیخسرو آرش گرگین فیلسوف و سیاستمدار و همین طور شاهین نژاد مهندس و قاطی سیاست و فرهنگی تشکر می کنم که وقتتون رو به من دادید از تمام تماشاگران خواهش می کنم که اگر راجع به این مقوله ای که ما امروز بحث کردیم سؤال هایی دارید می توانید برای من ایمیل کنید من بعدا با آقایون در جریان خواهم گذاشت و کسانی هم که در اروپا هستند در هر کجای دنیا هستند و امکانش رو دارند که به همایش نوزایی ایرانی به پاریس بروند، بروند. من که نمیرم به دلیل کارهایی که اینجا دارم خیلی متأسفم ولی دیگه همین است. دیگه شاهین جان خیلی خیلی ممنون. من باهات تماس می گیرم شاید وسیله ای به وجود بیاریم که از پاریس بیارمت روی خط و گزارش هایی رو از پاریس برامون بدی و همین طور جناب آرش گرگین از شما هم متشکرم که در خدمتتون بودم عرضی ندارم. خانم ها آقایان افتخاری بود که در خدمت آقایون بودم و همین طور شما تا هفته آینده به نام خداوند جان و خرد.